۲۶۸ - ای بنده صادق خدا

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۶۸ - ای بنده صادق خدا

ای بنده صادق خدا، نامه شما رسيد و بر مضامين کما هی حقّها در نهايت دقّت اطّلاع حاصل گرديد. ميزان حقّيّت امر اللّه را حصول ثروت خويش قرار داده‌ايد با وجود اينکه اقرار و اعتراف نموده‌ايد که در اين خصوص به بقاع مقدّسه در نهايت خضوع و خشوع مراجعت نموده‌ايد و اين مقصد حصول نيافت. مادام برهان حقّيّت حصول مقصد است و عدم حصول دليل بر بطلان کار مشکل گردد زيرا به ائمه اطهار عليهم الصّلوة و السّلام تشبّث و توسّل جستيد و حصول نيافت.

پس اين ميزان حقّيّت امر اللّه نگردد و اگر ميزان اين باشد و بحصول پذيرد منکری در عالم نماند شرق و غرب جميعاً در يوم واحد مؤمن شوند ديگر چه از اين بهتر يک آمنت بگو، در دنيا يک ثروت بی پايان بياب و در آخرت نيز بالطاف حضرت رحمان فائز شو. اين آرزو را لازم بود که اوّل انبيا داشته باشند بعد اوليا بعد جميع مؤمنان صادق چه بهتر از اين و لکن جميع در نهايت زحمت و مشقّت و اکثری در غايت فقر و احتياج ايّام بسر بردند و در نصّ قرآن ميفرمايد أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الجَنَّةَ وَ لَمّا يَأْتِکُمْ مَثَلُ الَّذينَ مِنْ قَبْلِکُمْ أَصابَتْهُمُ البَأْساءُ وَ الضَّرّاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتّی قالَ الرَّسُولُ وَ مَنْ مَعَهُ مَتی نَصْرُالله الخ. از اين آيه مبارکه واضح و مشهود است که در سبيل الهی هر نفسی سير و سلوک نمايد غنی فقير گردد نه فقير غنی کار بر عکس است. ملّای رومی چه خوب گفته است:

” گر در آتش رفت بايد چون خليل ور چو يحيی ميکنی خونم سبيل“
”ور چو يوسف چاه و زندانم کنی ور ز فقرم عيسی مريم کنی“
”سر نگردانم نگردم از تو من بهر فرمان تو دارم جان و تن“
”ترک مال و ترک نام و جان و تن در طريق عشق اوّل منزل است“

و جمال مبارک در قصيده ورقائيّه ميفرمايد:

“ خلّ دعوی الحبّ او فارض بما جری کذاک جری الامر فی فرضی و سنّتی“

ميفرمايد يا ترک محبّت اللّه کن و يا به هر بلا و مصيبتی راضی شو زيرا فقر و ذلّت و مصيبت و بليّه از لوازم جانفشانی در سبيل الهی است. هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الّا الضّلال المبين.

